

حکمت

امام صادق (ع)
بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۲

مردی به حضور رسول گرامی اسلام صلی ... علیه و آله وسلم آمده و عرضه داشت: ای رسول خدا! به کدام یک از بستگانم نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. مرد پرسید: بعد از آن؟ فرمود: به مادرت. برای بار سوم پرسید: پیامبر اکرم (ص) فرمود: مادرت. در نوبت چهارم حضرت فرمود: به پدرت نیکی کن! الکافی (ط - الاسلامیه)، ج ۲، ص: ۴۰۹

یادداشت

نگاهی به قشری از زنان که کمتر دیده می‌شوند و
تریبون ندارند

کنشگران طبقه میانی



روز زن یا دیگر موقعیت‌هایی که قرار است زن تراز انقلاب به مردم معرفی شود و مورد توجه و تقدیر قرار گیرد، اغلب اوقات زنانی انتخاب می‌شوند که نخبه، دانشمند و دانشگاهی هستند.

اما زنان کنشگر و فعالی که در طبقات میانی جامعه قرار دارند و اصلی‌ترین نقش را برای حفظ کشور و قوام جامعه ایفا می‌کنند، اغلب دیده نمی‌شوند.

این قشر بندی زنان موضوعی است که می‌تواند به جایگاه زن در جامعه آسیب بزند و اعتماد به نفس زنان عادی را که تحصیلات عالیه و تریبون ندارند اما فعال و کنشگر هستند، تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

این در حالی است که تنوع در سبک زندگی و انتخاب افراد به آنها احساس قدرت و اعتماد به نفس می‌دهد و تلاش برای یکسان‌سازی افراد نه فقط نادرست، بلکه تلاش و رویکردی غلط است که نمی‌تواند به تعالی افراد در جامعه منتهی شود و در عوض می‌تواند مخرب هم باشد.

بر این اساس باید به جای تمرکز بر ارائه الگوهای ایده‌آلی که شاید فرصت و شرایط برابر اجتماعی برای تمام افراد جامعه در راستای دستیابی به این ایده‌آل‌ها فراهم نباشد، به سمت ارائه معیار برای اقشار و گروه‌های مختلف از زن تراز جمهوری اسلامی ایران حرکت کنیم و اکثریت زنانی که شاید مدرک و اعتبارسنجی‌های این چنینی را در دست ندارند هم در تعاریف مان از زن تراز جمهوری اسلامی ایران ببینیم و بگنجانیم.

زنانی که مسئولیت اصلی تربیت نسل آینده و کنشگر را بر عهده دارند و در مراحل مختلف و بزنگاه‌های تاریخی همین اکثریت مغفول مانده، در بازنمایی‌های رسانه‌ای با نقش آفرینی خود توانسته‌اند هدایت جریان‌های اجتماعی را در دست بگیرند. زنانی که در انقلاب مشروطه و قیام توتون و تنباکو حضوری موثر داشتند و در دوران مبارزات انقلاب به خیابان‌ها آمده و با کنشگری‌شان موجبات پیروزی انقلاب را فراهم کردند.

با چنین متر و معیاری است که هم مرضیه دباغ و منیره گرجی در جایگاه زن تراز جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند و هم مادران و همسران و دختران عقیف، پر تلاش و کنشگری که با حضور و نقش آفرینی‌شان در جایگاه و سبک زندگی خود، جامعه را در مسیری درست قرار داده و در مجموع موجب پیشرفت و تعالی ایران مان شده‌اند.

نگاهی به وضعیت خانواده در غرب از دیدگاه یک پژوهشگر غربی

جنگ علیه خانواده

احمد علوی

چاردیواری

بحران خانواده در غرب موضوعی است که اندیشمندان غربی را هم به فکر چاره‌جویی انداخته و در این باره کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته و پژوهش‌های زیادی انجام شده است.

کتاب «جنگ علیه خانواده» نوشته ویلیام گردنر، یکی از این آثار است.

این کتاب، اثری تأثیرگذار در نقد و بررسی بحران خانواده در غرب، به ویژه آمریکا و کانادا است که سال ۱۹۹۳ منتشر شده است. مباحث کتاب در دو بخش کلی با عناوین «روبارویی» و «موضوعات» تنظیم شده است. نویسنده در بخش اول از سویی به جریان‌های غالب فکری، سیاسی، اقتصادی و رسانه‌های غرب می‌پردازد که با مواضع نظری و عملی‌شان، هر یک به گونه‌ای، نهاد خانواده را مورد حمله قرار می‌دهند و از سوی دیگر، نظرات منتقدان این روند را متذکر می‌شود. بخش دوم به مهم‌ترین مسائل خانواده امروزی می‌پردازد. مسائلی همچون، همجنس‌بازی، سقط جنین، بدآموزی‌های فرزندان در مراکز آموزشی و ... از جمله معضلاتی‌اند که هر یک از آنها به تنهایی، نهاد خانواده را با چالش جدی مواجه می‌کند.

گردنر دارای مدرک دکتری از دانشگاه استانفورد آمریکاست. او از سال ۱۹۷۱ در همین دانشگاه و نیز دانشگاه یورک به تدریس اشتغال داشته و دارای کتاب‌ها و مقالات متعدد در زمینه‌های اجتماعی،

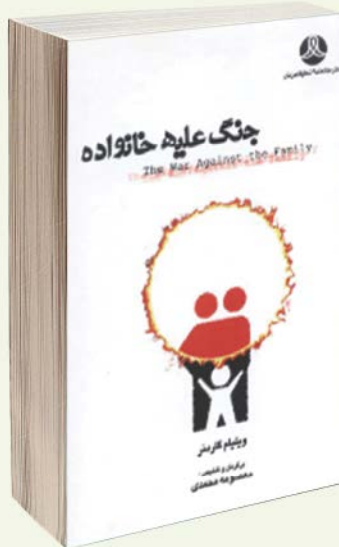
سیاسی و فرهنگی است.

نویسنده کتاب جنگ علیه خانواده، در اثر ۶۰۰ صفحه‌ای خود به گونه‌ای تفصیلی به بررسی علت‌های بروز بحران فروپاشی خانواده در غرب به ویژه آمریکا و کانادا، پرداخته و طی ۱۹ فصل کتاب، با انتقاد از نظریه‌های فلسفی فراگیر، سیاست‌های آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، گروه‌های فشار فمینیستی و لابی همجنس‌بازان، سکوت یا همراهی کلیسا، نظام تقنینی، قضایی و ... راهکارهایی را برای کند کردن روند بحران و مهار آن پیشنهاد می‌کند.

در ترجمه اثر، تلاش شده تا مباحث اصلی و کلیدی کتاب استخراج شده، و همچنان که در مقدمه مترجم آمده از ذکر جزئیات و مباحث حاشیه‌ای یا مطالبی که خاص خوانندگان بومی بوده، خودداری شود. نویسنده کتاب در فصل هفدهم به بررسی دقیق اندیشه حاکم بر

کلیسا به ویژه کلیسای پروتستان و عملکرد آن - که به طور عمده سکوت در برابر انحراف‌های فکری و عملی یا همراهی با آنهاست - می‌پردازد. نقش قوانین و قوه قضاییه در تبدیل رویه‌های نادرست به امور قانونی و درست، موضوعی است که در فصل هجدهم کتاب با آن برخورد می‌کنیم. در این فصل، حقوق محوری به عنوان یکی از علت‌های آسیب رسانی به نهاد خانواده مطرح می‌شود و از وضع قوانین در سطح فردی، جمعی، کشوری و بین‌المللی برای بالا بردن میزان مطالبات فردی انتقاد به عمل می‌آید.

سرانجام در آخرین فصل کتاب، نویسنده با برشمردن گزینه‌های پیش‌رو از همگان جهت اقدام برای مقابله با بحران گریبانگیر جامعه، دعوت به عمل می‌آورد.



خدا با رفق و مدارا هر چه بخواهد انجام می‌دهد



در معنای کلمه لطف، بویی از مدارا و آسانی عمل و نیز بویی از دقت و باریکی آن چیزی که عمل بر آن واقع می‌شود نهفته است. (مثلاً پارچه لطیف، آن پارچه‌ای است که با دقت ساخته شده و تار و پودش از نخ باریک تشکیل شده و باید با آن به مدارا رفتار کرد...) و فاعل چنین فعلی را که عمل به مدارا و دقت و سهولت می‌کند، و سروکارش در عمل با نخ باریک و دقیق و ماشین‌آلاتی دقیق و ریز است لطیف می‌خوانیم، مثلاً می‌گوییم هوا چقدر لطیف است؛ چون آن قدر سبک و رقیق است که به آسانی در منافذ همه اجسام نفوذ می‌کند و به آسانی می‌تواند با اجزای درونی آن اجسام تماس پیدا کند.

وقتی معنای واژه لطیف این شد، اگر بخواهیم آن را در مورد خدای سبحان به کار ببریم، به حکم اجبار باید خصوصیات مادی را از معنای آن حذف کنیم، چون خدا مادی نیست، آن وقت معنای این که خدا لطیف است می‌شود: «خدا با احاطه و عملش بر دقایق امور نائل می‌شود و در آن امور دقیقه با رفق و مدارا هر چه بخواهد می‌کند.»

در آیه «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يُرِزُّ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ» رازق بودن خدا را نتیجه لطیف و قوی و عزیز بودن او قرار داده و فرموده: «چون خدا لطیف به بندگان خویش و قوی و عزیز است، ایشان را رزق می‌دهد» و این خود دلالت دارد بر این که می‌خواهد بفرماید: خدا به خاطر این که لطیف است، احدی از

مخلوقاتش که محتاج رزق اوست از او غایب نیست و از پذیرفتن رزقش سر باز نمی‌زند و به دلیل این که قوی است، احدی او را از دادن رزق عاجز نمی‌کند و به خاطر این که عزیز است کسی او را از این کار مانع نمی‌شود.

و منظور از رزق تنها مادیات نیست، بلکه اعم از آن و از موهبت‌های معنوی و دینی است که بعضی از بندگان خود را که می‌خواهد از آن موهبت برخوردار می‌کند.